

# کلام جدید

جلسہ اول: تعاریف و ضرورت و کلیات دین

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:  
محمد جواد اسماعیلی

1398

در جلسه اول با موضوعات زیر آشنا خواهید شد:

مقدمه علم کلام

تعریف دین

تعریف دین در قرآن و روایات

چرا باید دین داشته باشیم

سایر تعاریف از دین

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ  
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر والزمان، السلام عليك يا بقیه الله فی ارضه.

خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات، حضرت  
حجّه بن الحسن، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست، و همه از او  
فرمانبری می نمایند، ساکن زمین گردانیده، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

### مقدمه علم کلام

سلام خدمت شما عزیزان و بزرگواران. خدای متعال را شاکریم که توفیق داد مباحث کلام جدید را شروع کنیم.  
شاید بگویید علم کلام و کلام جدید و قدیم چیست. ما بحثی در مباحث دینی خودمان داریم که اصولاً به آن بحث  
های روایی و قرآنی شامل می شود. یکی بحث فلسفه داریم که در فلسفه عقل محض است. یعنی در فلسفه دیگر ما  
آیه و روایت وارد نمی کنیم، الا مباحثی از فلسفه اسلامی که در آنجا برای تطبیق دادن و امورات دیگر استفاده می  
شود وگرنه به صورت کلی در فلسفه ما دین و آیه و روایت را وارد نمی کنیم.

ما علمی هم به نام علم کلام داریم که تلفیقی از عقل و آیه و روایت است. علم کلام عهده دار دفاع از دین است. هم  
دین را با اصول عقلی روایی و قرآنی تبیین می کند هم اینکه اگر شبهه ای باشد دفاع می کند. توجه اهل بیت ما به  
علم کلام به حدی بود که فردی به نام هشام بن حکم را که هنوز نوجوانی بود و روایت می گوید هنوز ریش او در  
نیامده بود، امام صادق بیشتر به او اهمیت می داد تا اصحاب دیگر امام که فقیه و حافظ و مفسر قرآن بودند. مناظره  
ای را در اصول کافی شیخ کلینی می آورد و در انتهای مناظره امام صادق می فرماید که یکی مثل تویی باید بیاید و  
با دشمن مناظره کند. پس این امر اهمیت علم کلام را می رساند.

کلام قدیم مباحثی مربوط به اثبات خدا و مباحث اصول دین بود. برخی ها حتی خود عبارت کلام قدیم و جدید را  
قبول ندارند. برخی ها می گویند مسائل جدید علم کلام، چون کلام همان است و الان چاق تر شده است. حالا چون  
مقام معظم رهبری صراحتاً واژه جدید را به کار بر، ف به همین دلیل ما این مواّجه را به کار می بریم.

علم ها پیشرفت کرد. دشمنان از برخی علوم استفاده مثبت کردند و از برخی علوم استفاده منفی. این استفاده منفی  
بلای جان ما شده است. مباحثی را مطرح کردند از جمله اینکه همه ادیان بر حق هستند و چه کسی گفته فقط اسلام  
بر حق است. مباحثی از جمله اینکه برداشت شما از دین، قرآن و روایات اشتباه است و برداشت ما درست است، یا

اینکه اصلاً هم برداشت شما و هم برداشت ما و برداشت همه درست است. چنین مطالبی را مطرح کردند و با این مطالب دارند تیشه به ریشه دین می زنند. بحث تجربه دینی را مطرح کردند که پیامبر آنچه را که گفته به خاطر تجربه ای بوده که با خدا داشته است، پس این تجربه را من و شما هم می توانیم داشته باشیم. در حقیقت واژه ختم نبوت واژه ی غلطی است. ما باید این مباحث را پاسخ دهیم.

در جلسه اول در سلسله مطالب کلام جدید انشالله می خواهیم توضیح دهیم اصلاً دین چیست و تعریف دین را بگوییم و سپس وارد مباحث کلام جدید شویم.

### تعریف دین

تعریف دین در معنای لغوی به معنای اطاعت کردن است یا به معنای جزا است. حالا چه جزای مثبت و چه جزای منفی، شامل اینها می شود. اما بینی و بین الله تعریف لغوی دین به درد من و شما نمی خورد. ما باید معنای اصطلاحی تر را ببینیم. اما در این تعاریف ما مشکلاتی داریم. چون همه نمی توانیم یک تعریف بدهیم. شما اکنون اگر به دیدگاه غربی ها در بحث تعریف دین مراجعه کنید، یا نظر روانشناسان و جامعه شناسان غربی را نگاه کنید، هر کسی نظری می دهد، چون مصداق محسوسی برای دین نداریم. یکی می گوید همین قدر که اخلاق خوب داشته باشید یعنی دین، و عبادات لازم نیست. یکی می گوید همان قدر که نماز بخوانید یعنی دین، و حالا اخلاق شما بد بود یا نبود، مهم نیست. یک سری از ادیان هم به مرور زمان تحریف شدند و اینها کمی مشکل ایجاد می کند در تعریف دین. یا یک سری از افراد بر اساس پیش فرض های خودشان بر آن اساس دین را تبیین می کنند و غرض ورزی ها داخل آن اضافه می شود. پس واقعا تعریف دین مقداری سخت است.

### تعریف دین در قرآن و روایات

اما واژه دین در قرآن به معنای متعدد آمده است. ببینیم قرآن و روایت راجب دین چه چیز گفته است. در قرآن دین به معنای جزا هم آمده است. آیه مالک يوم الدين، روز پاداش. به معنای بندگی هم آمده است. به معنای سلطنت هم آمده است. وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّ (انفال، 39). و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادى نماند و آیین همه دین خدا گردد.

به معنای شریعت و قانون آمده است. به معنای ملت هم آمده است. ملت و گروه. به معنای تسلیم شدن هم آمده است. پس در قرآن به معنای متعدد آمده است.



در روایات ما هم به معنای نهایت دین، غایه الدین الایمان آمده است. به معنای یقین، حب و دوستی، معرفت، همه اینها در روایات آمده است. پس اگر ما معنی که آنچه می توانیم از آیات و روایات به دست بیاوریم در رابطه با اینکه دین را به معنای اخص خودش نگاهی کنیم بیشتر می توانیم به معنای اعتقادات نگاه کنیم. چرا که این اعتقادات ما هستند که ما با انجام آنها یا با پذیرفتن آنها می توانیم ادعا کنیم آن دین را داریم یا نداریم.

### چرا باید دین داشته باشیم

سوال پیش می آید چرا باید دین داشته باشیم و دلیل دین داری چیست و چرا باید دین داشته باشیم. ما عقل داریم. بشر به حدی رسیده که عقل او کامل شده است و در این عقل کامل، کارهای خودش را پیش می برد پس نیازی به دین نیست.

اما در پاسخ باید گفت ما دو نوع پاسخ داریم. پاسخ اول دنیایی است. ما در همین دنیا بارها و بارها و بارها اشتباهاتی داشتیم. یعنی نشستیم فکر کردیم و گفتیم این راه خوب است، این راه بد است و راه خوب را رفتیم و ضرر کردیم. پس ما بارها و بارها در همین دنیا ضرر گوش دادن به عقلمان را خوردیم. ما نمی توانیم بگوییم عقل به طور کلی باطل است. این سخن غلطی است. می گوییم عقل به تنهایی نمی تواند هدایت گر باشد. برای مثال برای همه من و شما پیش آمد که در زندگی به حرف عقل گوش کردیم و شکست خوردیم. پس عقل به تنهایی نمی تواند و باید یک راهنما و مشاور داشته باشیم که آن راهنما و مشاور از ما عالم تر و با فهم تر باشد و امکان اشتباهش صفر یا در حد صفر باشد. به این امر وحی یا دین می گوییم.

شاید بگویید از کجا معلوم در وحی یا دین اشتباهی وجود ندارد. درست است یک سری از افراد در دین یهودیت و مسیحیت تحریفات ایجاد کردند، اما در دین اسلام ممکن است در روایات مقداری تحریفات و جعلیات باشد، اما در

اصل قرآن و اصول کلی دین تحریف واقع نشد، چون علمای اسلام بیشتر از ادیان دیگر زحمت کشیدند و دین را تا آنجا آوردند و می بینیم با همین اصول است که مسلمین هر جا به این اصول عمل کردند پیروز شدند. ما می گوییم عقل و وحی با هم است. هر جا تجربه ثابت کرده حرف دین گوش داده نشد، شکستش را خوردند. برای مثال یک نمونه ساده شرکت های هرمی گلد کوئست که عقل می گفت شرکت کنید پیروز می شوید، اما شرع می گفت اکل مال بالباطل است و حرام است. خیلی ها شرکت کردند و شکست هم خوردند. پس ما باید به دین روی بیاوریم.

اما پاسخ دوم که چرا نیاز به دین داریم این است که بحث اخروی داریم. آیا عقل می تواند بگوید فردای قیامت به چه نحوی است، یا پرسش و پاسخ قبر به چه نحوی است و یا کیفیت بهشت و جهنم به چه نحوی است. عقل در این جا نمی تواند نظر بدهد. چون عقل محدود است و چیزهایی را که ندیده و حس نکرده را نمی تواند نظر بدهد. پس ما قطعاً به چیز بالاتر از عقل نیاز داریم که همان وحی می شود. پس اینجا متوجه شدیم به دین نیاز داریم. به تنهایی نمی توان فقط و فقط با عقل پیش رفت. عقل باشد اما در این بین دین هم باید باشد و هر دو در کنار هم باشند. اگر کسی دین درستی انتخاب کند و از آن طرف خوب و عاقلانه فکر کند هیچ وقت هیچ تضادی بین عقل و دین پیدا نخواهد کرد. شما به تک تک دستورات اسلام نگاه کنید، همه آنها بر مبنای عقل است. اگر جایی به نظر ما فلان حکم اسلام با فلان نظریه عقلی جور در نیامد این یعنی ما خوب در آن قضیه تحقیق نکردیم. تحقیق ما در آن قضیه درست نبود. اگر خوب فکر کنیم و خوب تحقیق کنیم قطعاً به درست بودن دین هم پی خواهیم برد. پس این نکته را دوستان حتماً حتماً باید توجه کنند.

### سایر تعاریف از دین

خلاصه تمام تعاریفی که هست، برخی ها تعاریفی که از دین انجام می دهند تعاریف کارکردگرایانه از دین دارند. تعاریفی که بر اساس عوامل و آثار جامعه شناختی به تعریف دین می پردازد. می بیند دین چه تاثیری در جامعه داشت. انصافاً هم هر جا دین باشد و بدان عمل شود، خیلی مشکلات کمتری در جامعه داریم. برخی ها می گویند مسلمانان و مخصوصاً شیعیان همیشه عزایی هستند، اگر شما نگاه کنید مصرف قرص های ضد افسردگی در کشورهای خارجی به مراتب بیشتر از ایران است. پس این مزخرفات است که یک عده مطرح می کنند که دین باعث شادی نیست و امثالهم. اتفاقاً تحقیقات خود انگلیسی ها تایید کرد که دین داران شادترین مردم هستند.

برخی تعاریف دین تعاریف اخلاق گرایانه است. یعنی فقط بعد اخلاقی دین و احساسات انسان ها را نشان می دهد. برخی تعاریف هم تعاریفی هستند که به آن عموماً تعاریف درست یا برگزیده می گوییم. یعنی دین عبارت است از

مجموعه حقایق و ارزش هایی که از طریق وحی یا الهام یا هر طریق دیگری مانند عقل برای هدایت و سعادت انسان ها بر پیامبر نازل می شود. پس از طریق وحی یا الهام یا عقل بر پیامبران نازل می شود.

حالا سوال پیش می آید اینکه بحث عقل آمده، ممکن است بر عقل من و شما هم بیاید، پس آن چیزی که ما از مکاشفات خودمان با خدا به دست می آوریم چرا آن را به عنوان دین نمی پذیریم و حتما باید پیامبر باشد. پاسخ این است که چون شیطان بر انبیاء تسلط ندارد. آن چیزی که پیامبر درک می کند عین واقعیت و الهیت است و هیچ نکته شیطانی در آن وجود ندارد. ولی آیا من و شما می توانیم ادعا کنیم آنچه را که دریافت می کنیم حتما الهی است و شیطان وجود ندارد. بسیاری از افراد صوفی و دراویش مکاشفات شیطانی دارند. برای مثال می گویند ما می بینیم حضرت عیسی فردای قیامت برای مسیحی ها شراب می آورد، یا برخی ها می گویند ما شیعیان را در عالم مکاشفه به صورت خوک دیدیم. این مکاشفاتی که قطعا شیطانی است، نشان می دهد که مکاشفات ما و دریافت الهامی ما ممکن است آلوده به الهامات شیطانی باشد، اما انبیا آنچه را که دریافت می کنند عین عصمت و وحی است. پس ضرورت دین و کلیت دین را توضیح دادیم. انشالله در جلسه بعد بحث تجربه دینی را خواهیم گفت. بحثی که بسیار بسیار شبهه ناک است و انشالله این بحث را برای شما باز خواهیم کرد.